



پرسمان دینی (۹۰)



طوفان الاقصیٰ (تاریخ)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ
تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.



دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای
آنها پرسش است. پس بهر سید- خداوند شما را رحمت کند-
که در این بین چهار تن اجر برند:
آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.

تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، ج ۱، ص ۴۱



پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات

یکی از اساسی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.





طوفان الاقصی (تاریخ)

پرسمان دینی (۹۰)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

طوفان الاقصی (تاریخ)

پژوهشگران	حجج اسلام سید کاظم فلاح زاده، مرتضی بهرامی خشنودی و آقایان حسین مصطفوی زاده و علی محمد تاج الدین
مصحح	حجت الاسلام مرتضی بهرامی خشنودی
ناظر	حجت الاسلام جواد مرادی
چاپ اول	آبان ماه ۱۴۰۲



فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۰
۱. تاریخچه مسجد الاقصی.....	۱۲
۲. اهمیت بیت المقدس برای اسرائیلی ها.....	۱۷
دلیل اهمیت بیت المقدس برای رژیم صهیونیستی.....	۱۷
۳. دین ساکنین فلسطین قبل از ورود اسلام.....	۲۱
۴. اسلام یا مسیحیت صاحبان اصلی فلسطین.....	۲۸
۵. حضرت زینب علیها السلام و نفرین مردم فلسطین.....	۳۴
۱- نفرین مردم شام.....	۳۴
۲- نفرین مردم فلسطین.....	۳۶
۶. وجه تسمیه فلسطین اشغالی.....	۴۰
۷. موضع پادشاهان ایرانی نسبت به ساکنان فلسطین.....	۴۵
۸. مظلوم‌نمایی یهودیت در تاریخ.....	۵۰
پیشینه تاریخی بنی اسرائیل.....	۵۰
لشکرکشی بُخْتِ نَصْرَ به بیت المقدس.....	۵۲
ماجرای بنی قریظه.....	۵۴
ادعای مالکیت تاریخی بر فلسطین.....	۵۵
هولوکاست.....	۵۶
ماجرای استر.....	۵۸



۶۳.....کتابنامه



مقدمه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان باتجربه و با رویکرد تخصصی در فرآیند پاسخگویی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را در رشته‌های «قرآن و حدیث»، «کلام و اعتقادات»، «تاریخ»، «اخلاق و تربیت»، «مشاوره»، «احکام شرعی» و «سیاست» پاسخ گفته است.

بخش پاسخگویی مکتوب این مرکز، به‌عنوان باسابقه‌ترین بخش، با رسالت «پاسخگویی مطلوب به سؤالات ویژه»، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی تحقیق در عرصه پاسخ به سؤالات دینی است که در راستای توصیۀ مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای حفظه الله تعالی، بر آن شد تا مجموعه پرسش و پاسخ‌ها را به‌صورت محصولات متنوع و متعدد، در قالب کتاب و نرم‌افزار ارائه کند. این اثر حاوی چند پرسش و پاسخ با موضوع فلسطین است که با عنوان «طوفان الاقصی (تاریخ)» تدوین شده است. رویکرد بخش مکتوب در تدوین این مجموعه رعایت اختصار در تعداد سؤال و ارائه پاسخ جامع و مستند است.



در پایان از حمایت و پیگیری ریاست مرکز ملی پاسخگویی، جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدجواد اصغری و نیز از همه کارشناسان محترم پاسخگو و تمامی افرادی که در انتشار این مجموعه نقش ایفا کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

از خداوند منان برای همه دست‌اندرکاران در فرآیند پاسخگویی به پرسش‌های دینی، توفیق روزافزون مسئلت دارم.

مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

جواد مرادی



۱. تاریخچه مسجد الاقصی

پرسش:

لطفاً درباره تاریخچه مسجد الاقصی توضیح بدهید و بفرمایید که آیا مسجد الاقصی همان بیت المقدس است؟

پاسخ:

بیت المقدّس (به عربی بَیتُ المَقْدِسِ یا البیتُ المَقْدَسُ) یا اورشلیم یا قُدس، شهری در فلسطین اشغالی که سومین شهر مقدس مسلمانان (پس از مکه و مدینه) و مقدس ترین شهر جهان نزد یهودیان و مسیحیان است. مسجد الاقصی نخستین قبله مسلمانان در این شهر قرار دارد.

بیت المقدّس (به عربی بَیتُ المَقْدِسِ یا البیتُ المَقْدَسُ) یا اورشلیم یا قُدس، شهری در سرزمین فلسطین در حدود ۲۴ کیلومتری غرب بحرالمیت و ۵۶ کیلومتری شرق دریای مدیترانه است این شهر کوهستانی در بین جلگه مدیترانه و دره رود اردن قرار دارد و حدود ۷۶۲ متر از دریای مدیترانه و حدود ۱۱۶۰ متر از بحرالمیت بالاتر است. آب و هوای این شهر، گرمسیری، نیمه خشک، همراه با تابستان های گرم و خشک و زمستان های سرد و بارانی است.^۱ این شهر به لحاظ موقعیت جغرافیایی همواره برای مردم و حکومت های منطقه اهمیت بسیاری داشته؛ چراکه

۱. بریتانیکا، ذیل "Jerusalem"؛ فاروق محمد عزالدین، ص ۴۲-۴۳، ۵۱-۵۳.



از قدیم‌الایام گذرگاه ارتباطی میان آفریقا، اروپا و آسیا بوده است.^۱ این شهر خاستگاه دین یهودی و مسیحی است و به سبب وجود اماکن مذهبی موردعلاقه ادیان ابراهیمی (اسلام، یهود و مسیحیت) مانند قبه الصخره، مسجدالاقصی و دیگر اماکن مقدس، از دیرباز موردتوجه پیروان تمام ادیان ابراهیمی بوده است.^۲

مسجدالاقصی در لغت به معنای «دورترین مسجد»، به مسجدی در شهر بیت‌المقدس اشاره دارد که در جنوب شرقی این شهر واقع شده است.^۳ این مسجد در فاصله ۵۰۰ متری جامع عمر و قبه الصخره قرار دارد.^۴ مسلمانان به علت دوری و بُعد مسافت این مسجد از مکه و مسجدالحرام، این نام را بر آن قرار دادند.^۵

بنابر شواهد تاریخی، نخستین بار داوود نبی علیه السلام، در محل کنونی این مسجد اقدام به احداث معبدی نمود و حضرت سلیمان علیه السلام،

۱. روزبهانی، محمدعلی، «روز جهانی قدس».

۲. تاجیک، نصرت‌الله، «جغرافیای سیاسی سرزمین بیت‌المقدس».

۳. حمیدی، سید جعفر، تاریخ اورشلیم (بیت‌المقدس)، ص ۱۸۳.

۴. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۱۲، سال ۱۳۳۴ - ۱۲۵۸ ش، ص ۱۸۴۱۸ و ۱۸۴۱۹.

۵. علامه طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۷؛ طبرسی، فضل

بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶۱۲.



آن را تکمیل کرد.^۱ مکان مسجدالاقصی پیش از اسلام، به نام‌های معبد اورشلیم، معبد ایلپاء، بقعه ایلپاء و ... شناخته می‌شد.^۲

بنای کنونی مسجدالاقصی بنا بر اسنادی که از قرن نخست قمری به‌جامانده، در دوره امویان ساخته شده است.^۳ ساختمان مسجدالاقصی در دوره‌های مختلف تعمیر و بازسازی شده است. عباسیان، فاطمیان، آیبویان و عثمانیان از جمله حکومت‌هایی هستند که آن را تعمیر و بازسازی کرده‌اند. منصور دوانیقی، (حکومت: ۱۳۶-۱۵۸ ق) و مهدی عباسی (۱۲۶-۱۶۹ ق)، از خلفای عباسی، ساختمان مسجدالاقصی را که بر اثر زلزله تخریب شده بود، تعمیر و بازسازی کردند.^۴ همچنین بر پایه کتیبه‌ای، به دستور الظاهر لاعزاز دین الله از خلفای فاطمی، در سال ۴۲۶ ق بر فراز مسجدالاقصی گنبدی ساخته شد^۵ و به دستور المستنصر لدین الله در سال ۴۵۸ ق ایوان شمالی مسجد بازسازی گردید.^۶ در سال ۱۰۹۹ م برابر با ۵۸۳ ق، صلیبی‌ها، بیت المقدس را تصرف کردند و در قسمتی از محل

۱. کمالی لطف نسرین، «تاریخچه و فلسفه نام‌گذاری "مسجدالاقصی"»، قابل دسترس در:

www.masjed.ir/fa/article//۲۸۳۵

۲. اسعدی، مرتضی، بیت المقدس، ص ۱۳-۱۴.

۳. موسی غوشه، محمدهاشم، تاریخ مجموعه مسجدالاقصی، ص ۱۰.

۴. موسی غوشه، محمدهاشم، تاریخ مجموعه مسجدالاقصی، ص ۱۱.

۵. موسی غوشه، محمدهاشم، تاریخ مجموعه مسجدالاقصی، ص ۱۱.

۶. موسی غوشه، محمدهاشم، تاریخ مجموعه مسجدالاقصی، ص ۱۱.



مسجد الاقصی، کلیسا ساختند و قسمت دیگر آن را به استراحتگاه سواران و انبار ذخایر تبدیل کردند.^۱ در سال ۵۸۹ ق صلاح‌الدین ایوبی بیت‌المقدس را از آن‌ها پس گرفت، محراب مسجد را تجدید بنا کرد، گنبد آن را کاشی‌کاری نمود و منبری چوبی در آن قرار داد.^۲ در دوره حکومت ممالیک و عثمانیان نیز مسجد الاقصی چندین بار بازسازی شد.^۳ در دوره معاصر، یهودیان صهیونیزم با غصب بخش قابل‌توجهی از سرزمین فلسطین، با ادعای اینکه بقایای معبد سلیمان، زیر مسجد الاقصی قرار دارد، به دنبال تخریب مسجد الاقصی هستند.^۴ این در حالی است بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، این ادعا، امری باطل و دروغ است؛ چراکه معبد سلیمان مهروموم‌ها پیش از ورود مسلمانان در قرن اول هجری تخریب شده بود و هنگام بنای مسجد در دوره اسلامی، هیچ اثری از این معبد باقی نمانده بود.^۵

نتیجه:

بیت‌المقدس که به آن اورشلیم و قدس نیز می‌گویند، شهری است که مسجد الاقصی اولین قبله مسلمان در این شهر قرار دارد. مکان این مسجد

۱. حمیدی، سید جعفر، تاریخ اورشلیم (بیت‌المقدس)، ص ۱۸۳.

۲. حمیدی، سید جعفر، تاریخ اورشلیم (بیت‌المقدس)، ص ۱۸۳.

۳. موسی غوشه، محمد هاشم، تاریخ مجموعه مسجد الاقصی، ص ۱۳-۱۵.

۴. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۸۸.

۵. اسعدی، مرتضی، بیت‌المقدس، ص ۱۶-۱۷.



پیش و بعد از اسلام، مورد توجه پیروان ادیان ابراهیمی بوده است. در دوره کنونی، رژیم صهیونیستی با ادعاهای واهی، سعی در تخریب بنای مسجد دارد.

کلمات کلیدی:

مسجد الاقصی، بیت المقدس، فلسطین، اورشلیم، قدس، معبد سلیمان

معرفی منبع جهت مطالعه بیشتر:

۱- تاریخ مجموعه مسجد الاقصی، مؤلف: محمد هاشم موسی غوشه، مترجمان: سید شهرام فرهانیان، هودسا عاطفی، نشر ادیان.



۲. اهمیت بیت المقدس برای اسرائیلی ها

پرسش:

چرا این قدر بیت المقدس برای اسرائیلی ها مهم است؟

پاسخ:

بیت المقدس (به عربی: بیت المقدس یا البیت المقدس) یا اورشلیم یا قدس، شهری در فلسطین اشغالی که نخستین قبله و سومین شهر مقدس مسلمانان (پس از مکه و مدینه) و مقدس ترین شهر جهان نزد یهودیان و مسیحیان است. این شهر، از مراکز زیارتی ادیان ابراهیمی است و هر یک از این ادیان، آثار و ساختمان هایی در آن دارند. بیت المقدس هم اکنون در اشغال کامل اسرائیل است و این شهر را پایتخت ابدی خود می خواند؛ اما سازمان ملل و بسیاری از کشورهای جهان، این ادعا را به رسمیت نمی شناسند.^۱

دلیل اهمیت بیت المقدس برای رژیم صهیونیستی

از آنجا که رژیم صهیونیستی در نظر دارد خود را نماینده یهودیان در جهان معرفی کند، تلاش می کند تا با تکیه بر معتقدات یهودیان در مورد بیت المقدس، نظر آنان را جلب کند. بیت المقدس یا اورشلیم، هم خود برای یهودیان قداست دارد و هم برخی اماکن موجود در آن. این اماکن

۱. حمیدی، جعفر، تاریخ اورشلیم، ص ۲۷۶.



و بناها با صرف نظر از اینکه در این شهر قرار دارند، محل توجه پیروان دین یهودند. وجود این اماکن در اورشلیم، بر قداست آن نزد یهودیان افزوده است. جنگ‌هایی که بر سر تصرف اورشلیم در گرفته، از موضوعات پربسامد تورات است.^۱ در تورات، صدها بار از اورشلیم یاد شده و نام این شهر به صراحت برده شده است.^۲ در برخی فقرات، تصریح شده که خانه خدا در این شهر قرار دارد^۳ و در ده‌ها آیه دیگر، از عبارت «خانه خدا» برای مکانی در این شهر، استفاده شده است.^۴

به نقل تورات، داود نبی علیه السلام، طرح ساختن خانه خدا در اورشلیم را ریخت؛ اما کار ساختن خانه خدا را فرزندش، سلیمان نبی علیه السلام، آغاز کرد. به تصریح تورات، داود سی‌وسه سال بر اورشلیم حکومت کرده است.^۵ پس از داود، فرزندش سلیمان در اورشلیم و همان‌جا که داود تعیین کرده بود، خانه را ساخت: «سلیمان کار ساختن خانه خدا را شروع کرد؛ یعنی همان زمین خرمن کوبی آرونه یبوسی که در آن خداوند به داود پادشاه ظاهر شد و داود آنجا را برای خانه خدا در نظر گرفت».^۶ اورشلیم

۱. برای نمونه: دوم سموئیل باب پنج آیه شش.

۲. <http://www.razgah.com/words.engil>

۳. عزرا باب پنج آیه شانزده.

۴. <http://www.razgah.com/words.engil>

۵. اول، پادشاهان، باب دو، آیه یازده.

۶. اول پادشاهان، ۱۶: ۳۸.



بنا بر تورات، شهر برگزیده یهوه (خدا) است.^۱ در نظرگاه یهودیان، معبد بیت المقدس که در عبری «بت همیقداش» نام دارد، به عنوان خانه خدا توسط حضرت سلیمان بنا شده است. این معبد قرن‌ها است که مرکزی است برای انجام مراسم عبادی یهودیان. معبد در تاریخ سرزمین مقدس، بارها مورد حمله واقع شده و گاه اقوام مشرک، بت‌های خود را نیز در داخل آن قرار داده‌اند. بت همیقداش دو بار به طور کامل ویران گشت که آخرین آن حدود سال ۷۰ میلادی بود و علیرغم این موضوع، این مکان مقدس تا به امروز قبله‌گاه یهودیان جهان و مهم‌ترین زیارتگاه آنان به شمار می‌رود.^۲

علاوه بر قداست این مکان، یهودیان صهیونیزم در صدد هستند تا با تصرف کامل بیت المقدس، زمینه تخریب مسجد الاقصی را که در این شهر قرار دارد، فراهم کنند. یهودیان صهیونیزم بر این باورند که بقایای معبد سلیمان زیر مسجد الاقصی قرار دارد. از نظر آنان، ویرانی مسجد الاقصی و ساخت معبد سلیمان به جای آن، شرط ظهور مسیح است. از این رو، آنان در صدد تخریب مسجد الاقصی و احیای معبد سلیمان به جای آن هستند.^۳

۱. اول پادشاهان باب یازده آیه سیزده؛ اول پادشاهان باب یازده آیه سی و دو.

۲. <http://www.dorim.com/cultures/BeitHamighdash.asp>

۳. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۸۸.



نتیجه:

رژیم صهیونیستی با توجه به تقدس و جایگاه ویژه‌ای که بیت‌المقدس در اندیشه یهودیان دارد، در صدد است تا با تصرف کامل این شهر، دیدگاه دیگر یهودیان در سراسر دنیا را به خود جلب کند. علاوه بر اینکه از این طریق، در صدد است تا برخی اندیشه‌های افراطی خویش همچون تخریب مسجد الاقصی و بازسازی معبد سلیمان را راحت‌تر در پیش بگیرد.

کلمات کلیدی:

بیت المقدس، مسجد الاقصی، اسرائیل، صهیونیست

معرفی منبع جهت مطالعه بیشتر:

- ۱- کتاب تاریخ اورشلیم، نوشته جعفر حمیدی
- ۲- مدخل بیت‌المقدس در دانش نامه جهان اسلام قابل مطالعه در لینک ذیل:

<https://rch.ac.ir/article/Details/۱۲۶۰۸>

۳- مدخل بیت‌المقدس در سایت ویکی شیعه قابل مطالعه در لینک ذیل:

<https://fa.wikishia.net/view/%D8%A8%DB%8C%D8%AA%D8%A0%8C%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%82%D8%AF%D8%B3#%DB%8C%D9%87%D9%88%D8%AF%DB%8C%D8%AA>



۳. دین ساکنین فلسطین قبل از ورود اسلام

پرسش:

مردم فلسطین چگونه مسلمان شدند و پیش از ورود اسلام به آن منطقه، چه دینی داشتند؟

پاسخ:

تا قبل از اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها و تشکیل یک دولت جعلی در این سرزمین در سال ۱۹۴۸م، اکثر مردم این منطقه مسلمان بودند؛ گرچه تعدادی مسیحی و یهودی نیز حضور داشتند. اگر بخواهیم اسلام ساکنان این سرزمین را در تاریخ ره‌گیری کنیم، باید به حدود ۱۴۰۰ سال پیش بازگردیم؛ یعنی زمانی که منطقه شامات (سوریه، لبنان، اردن و فلسطین) در قلمرو امپراتوری روم بود. بعد از رسول خدا (ص) در سال‌های ۱۵ تا ۱۷ هجری و در ادامه گسترش اسلام در منطقه شامات، سرزمین فلسطین (رمله، عسقلان، غزه، بیت‌المقدس و دیگر مناطق آن) به تصرف مسلمانان در آمد.^۱ فتح بیت‌المقدس در سال ۱۷ هجری، با صلح همراه بود و به‌واسطه آن، پیمانی با حضور خلیفه دوم با اهالی آنجا بسته شد.^۲ بعد از انتخاب حاکم برای این مناطق از سوی خلیفه دوم،

۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۶۰۶ و ۶۱۰.

۲. مقدسی، مظهر بن طاهر، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۱۸۵؛ ابن اثیر، عز الدین أبو الحسن

علی بن ابی‌الکریم، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۰۱.



علاوه بر حضور خود مسلمانان در این منطقه، بسیاری از ساکنان آنجا مسلمان شده و برخی دیگر مسیحی و یهودی باقی مانده و در همان جا ماندگار شدند.^۱

این مطلب را هم باید افزود که تعداد زیادی از ساکنان این مناطق، از نژاد عرب بودند که از گذشته در مناطق مرزی امپراتوری روم با جزیره العرب ساکن شده، دولت غسانیان را تشکیل داده بودند و حافظ منافع رومی‌ها در این مناطق شمرده می‌شدند.^۲

قبل از اسلام نیز یعنی در دوره باستان، اولین اقوامی که در این سرزمین و اطراف آن می‌زیستند، کنعانیان از نسل کنعان بن سام (حام) بن نوح بودند.^۳ این قوم به دلیل انتساب به نوه حضرت نوح علیه‌السلام، قاعدتاً می‌بایست در دوره‌ای یکتاپرست بوده باشند. تا این‌که در حدود دو هزار سال پیش با ورود حضرت ابراهیم و حضرت لوط علیهما‌السلام به این

۱. ویل دورانت می‌گوید: «وقتی که اعراب فاتح در قرن هفتم میلادی به مصر و خاور نزدیک وارد شدند، نیمی از نفوس آن قسمت‌ها، مقدمشان را گرمی داشتند، زیرا آنان را آزاد سازنده خویش از قید ظلم دینی، سیاسی و اقتصادی پایتخت بیزانس می‌دانستند.»؛ دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۶۴.

۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۵۷.

۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۴۴ و ج ۲، ص ۳۷۹؛ حموی،

شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۸۴؛ مسعودی، ابوالحسن علی بن

الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۱۲۳.



سرزمین، آیین یکتاپرستی رو به گسترش نهاد؛^۱ گرچه عده‌ای همچون قوم حضرت لوط همچنان منحرف ماندند و به عذاب الهی گرفتار شدند.^۲ با درگذشت ابراهیم نبی، فرزندش اسحاق و نیز فرزند او حضرت یعقوب (علیه‌السلام) و در ادامه فرزندان وی، با مستقر شدن در سرزمین فلسطین، توحید را در آنجا نهادینه کردند.^۳ بعد از این که حضرت یعقوب و فرزندانش (بنی اسرائیل) برای ملاقات با حضرت یوسف علیه‌السلام وارد مصر شدند،^۴ کنعانیان و ساکنان اصلی این سرزمین، همان‌جا ماندگار شدند تا اینکه پس از حضرت موسی علیه‌السلام، وصی او یوشع بن نون به همراه بنی اسرائیل موفق به شکست طاغوت این منطقه و ورود به آن شدند و بار دیگر در آنجا سکنی گزیدند. بنی اسرائیل همراه دیگر اقوام و ساکنان قبلی فلسطین در این ناحیه ساکن شدند تا این که در ادامه، انبیاء بنی اسرائیل مانند سموئیل و داوود و سلیمان در این منطقه تشکیل حکومت دادند و بنی اسرائیل را اداره می‌کردند. ماجرای نبرد بنی اسرائیل با جالوت به فرماندهی طالوت و نیز هلاکت جالوت توسط داوود نبی و فرار و شکست سپاه جالوت،^۵ نشان از حضور یک حکومت طاغوت و

۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ص ۴۱.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۴۸ و ۱۵۵.

۳. کتاب مقدس، بخش پایانی سفر پیدایش، از باب ۳۷ تا ۵۰.

۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۰-۳۲.

۵. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۳-۷۱.



ظالم و غیر الهی در این سرزمین دارد که توسط سپاه مؤمنان از بین رفته و دین خدا در آن بسط پیدا کرد. یکتاپرستی در این سرزمین و منطقه شامات با ظهور دیگر انبیای بنی اسرائیل مانند الیاس، یسع، عزیز و زکریا ادامه داشت^۱ تا اینکه حضرت عیسی و یحیی (علیهما السلام) به نبوت رسیدند و در این منطقه و اطراف آن مشغول دعوت مردم به دین الهی (مسیحیت) شدند. شایان ذکر است که تقریباً تا سال ۶۰۰ قبل از میلاد، بنی اسرائیل (یهودیان) و دیگر اقوام در این سرزمین زندگی می کردند؛ اما در سال ۵۸۷ قبل از میلاد، بُخت نَصْر با هجوم به اورشلیم (بیت المقدس) یهودیان را به اسارت درآورد و به بابل (بین النهرین در عراق کنونی) منتقل کرد و معبد سلیمان را تخریب کرد.^۲ بعد از مدتی، این بار رومی ها از یهودیان احساس خطر کرده و در سال ۷۰ م به اورشلیم حمله کرده و فلسطین و شهرهای آن را به اشغال خود درآورده، معبد سلیمان را بار

۱. گرچه در دوره هایی از تاریخ بنی اسرائیل و کنعانیان در منطقه شامات، بت پرستی نیز در میان آنان رواج یافت که خدای متعال برای اصلاح آنان، پیامبرانی را می فرستاد. برای مثال، خدای متعال حضرت الیاس علیه السلام را برای بنی اسرائیل و ساکنان بعلبک (در لبنان) که گرفتار پرستش بت «بعل» شده بودند، فرستاد. (مقدسی، مظهر بن طاهر، *البدء و التاريخ*، ج ۳، ص ۹۹).

۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ج ۱، ص ۵۳۸؛ زرین کوب، روزبه، «بخت نصر»، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۱، ص ۴۸۰.



دیگر تخریب کرده و یهودیان را پراکنده ساختند.^۱ بدین ترتیب، از سال ۷۰ میلادی به بعد، بت‌پرستی در فلسطین و شامات بسط پیدا کرد. تا اینکه در سال ۳۱۳ م بافرمان کنستانتین (قسطنطین) اول امپراتور روم، مسیحیت در سرزمین‌های تحت سلطه وی از جمله فلسطین به رسمیت شناخته شد و گسترش پیدا کرد^۲ و تا زمان ظهور اسلام و قبل از فتح آن توسط مسلمانان در سال ۱۵ هجری، همچنان مسیحی نشین بود.^۳

نتیجه:

خلاصه این‌که سرزمین فلسطین به‌عنوان بخشی از منطقه شامات قدیم تا قبل از آن‌که در سال ۱۵ تا ۱۷ هجری (در عصر خلیفه دوم) اسلام وارد آن شده و مسلمان‌نشین شود، به لحاظ دینی و سیاسی تاریخ پرفرازونشینی را پشت سر گذاشته است. مردم این منطقه در اثر حضور انبیاء و اقوام و حکومت‌های مختلف در ادوار مختلف، به‌تناوب دین و آیین متفاوتی را اتخاذ می‌کردند. در برهه‌ای از زمان (از زمان کنعان از نوادگان حضرت نوح علیه‌السلام) یکتاپرست بودند. تا قبل از حضور حضرت ابراهیم علیه‌السلام در این سرزمین، مردمانش دچار انحراف در

۱. مسعودی، أبو الحسن علی، التنبیه والاشراف، ص ۱۱۰-۱۱۱؛ سلیمانی اردستانی،

عبدالرحیم، سیری در ادیان زنده جهان (غیر از اسلام) ص ۲۲۱-۲۲۶.

۲. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، سیری در ادیان زنده جهان (غیر از اسلام)، ص ۲۲۹-۲۳۷.

۳. دانشنامه جهان اسلام، مدخل «بیت‌المقدس».



عقیده بودند که ایشان به همراه حضرت لوط علیه‌السلام سعی در اصلاح آن‌ها نمودند. تداوم حضور حضرت ابراهیم و فرزندانش اسحاق و سپس یعقوب و بنی‌اسرائیل در این ناحیه، باعث شد که دیگر ساکنان آن نیز به خداپرستی روی‌آورند. تا پیش از ورود حضرت موسی علیه‌السلام به نزدیکی‌های فلسطین و سپس ورود یوشع بن نون به کنعان و پیروزی بر طاغوت این منطقه، مردمانش دچار انحراف در دین بودند. یهودیت و دین توحیدی بار دیگر از زمان یوشع در این ناحیه گسترش پیدا کرد و با ظهور انبیای بنی‌اسرائیل مانند داوود و سلیمان، و حتی تا مدتی بعد از ظهور حضرت عیسی علیه‌السلام، یهودیت در این سرزمین دین غالب بود. پس از تخریب معبد سلیمان توسط رومی‌ها در سال ۷۰ میلادی، بت‌پرستی در فلسطین شامات آیین غالب بود تا این‌که در سال ۳۱۳ م، مسیحیت توسط کنستانتین (قسطنطین) اول رسمیت پیدا کرد. سپس زمان خلیفه دوم در سال ۱۷ هجری، فلسطین در اختیار مسلمانان قرار گرفت و اکثر مردمان این دیار مسلمان شدند و برخی دیگر نیز به دین یهودیت و مسیحیت باقی ماندند.

کلمات کلیدی:

مردم فلسطین، دین فلسطینیان، یهودیت در فلسطین، مسیحیت در فلسطین، ورود اسلام به فلسطین



منابعی برای مطالعه بیشتر:

- ۱- سیری در ادیان زنده جهان، اثر عبدالرحیم سلیمانی اردستانی
- ۲- یهودیت، نوشته عبدالرحیم سلیمانی اردستانی
- ۳- دانشنامه جهان اسلام، مدخل «بیت المقدس»
- ۴- ویکی فقه، مدخل «فلسطین»



۴. اسلام یا مسیحیت صاحبان اصلی فلسطین

پرسش:

زمان شکل‌گیری مسیحیت و به رسمیت شناختنش توسط امپراتوری روم، هنوز اسلام ظهور نکرده بود. بعد از ظهور اسلام و کشورگشایی‌هایش، فلسطین به دست مسلمانان اشغال شد و طبیعی است که سده‌های بعد، مسیحیان بخواهند آن را از دست مسلمانان خارج کنند. از این منظر، جنگ‌های صلیبی، جنگ دفاعی است و مسیحیان می‌خواستند فلسطین اشغالی را آزاد کنند. آیا با این تحلیل موافقت می‌کنید؟

پاسخ:

در این مطلب، یک بی‌دقتی تاریخی و یک مغالطه وجود دارد که اگر اصلاح شود، پاسخ سؤال روشن خواهد شد. برای توضیح مطلب، به چند نکته باید توجه شود:

۱ - بر فرض که فلسطین اشغال شده باشد، باز هم جنگ‌های صلیبی را نمی‌توان این‌گونه توجیه کرد؛ زیرا اولاً همه مردم آن سرزمین مسیحی نبودند و در میانشان یهودی و پیروان دیگر ادیان هم بوده‌اند. ثانیاً آن کسی که قانوناً حق دارد سرزمینی را پس بگیرد، فقط همان فردی است که مالک آن بوده و یا وارثان او. پس این‌که مردم اروپا که هیچ قرابت و نسبتی با ساکنان فلسطین نداشته‌اند، مدعی مالکیت بر آن منطقه شوند و بخواهند آن را تصرف کنند، توجیه منطقی و حقوقی ندارد.



۲ - اساساً بعد از اسلام، فلسطین به دست مسلمانان «اشغال» نشد، بلکه «فتح» شد؛ به این معنا که مسلمانان پس از درگیری نظامی با حاکمان آن جا، پیروز شدند و سپس مردم ساکن در آن منطقه را مخیر کردند که یا مسلمان شوند و همانند دیگر مسلمانان، حقوق و مزایا و تکالیف مسلمانی شامل حالشان شود و یا بر دین خود باقی بمانند و به حکومت اسلامی جزیه پردازند.

به این گزارش طبری درباره فتح بیت المقدس بنگرید:

وقتی عمر به جاییه آمد،... یک دسته سوار را دید که می آمدند و ... چون پیش آمدند، معلوم شد از مردم ایلیا هستند و با عمر صلح کردند که جزیه بدهند و شهر را بر او گشودند. ... مردم ایلیا بودند که مطیع وی شدند و نامه ای درباره ایلیا و اطراف و رمله و اطراف آن گرفتند و مردم فلسطین دو گروه شدند: گروهی با مردم ایلیا بودند و گروه دیگر با مردم رمله بودند که جمله ده ولایت بود و فلسطین به اندازه همه شام بود ... و سبب رفتن عمر به شام آن بود که ابو عبیده بیت المقدس را محاصره کرده بود و مردم آن جا از او خواستند که با شرایط شهرهای شام با آن ها صلح کند و پیمان صلح به وسیله عمر بن خطاب بسته شود. ابو عبیده قضیه را برای عمر نوشت که از مدینه حرکت کرد. ... وقتی سپاه شام از عمر درباره فلسطین کمک خواست، علی را جانشین خود کرد و به کمک آن ها برون



شد.... عمر در جابیه با مردم ایلیات صلح کرد و برای آن‌ها نامه صلح نوشت.

به جز مردم ایلیا برای هر ولایت نامه‌ای جداگانه نوشت به این مضمون: این نامه امانی است که عمر امیر مؤمنان به مردم ایلیا می‌دهد:

«خودشان و اموالشان و کلیساهایشان و صلیب‌هایشان، سالم و بیمارشان و دیگر مردمشان را امان می‌دهد که کلیساهایشان مسکون نشود و ویران نشود و از آن نگاهند و حدود آن را کم نکنند، از صلیب و اموالشان نیز و در کار دینشان مزاحمت نینند؛ و کسی‌شان زیان نینند و کسی از یهودیان در ایلیا با آن‌ها مقیم نشود. مردم ایلیا باید جزیه دهند چنان‌که مردم [دیگر] شهرها می‌دهند و باید رومیان و دزدان را از آنجا بیرون کنند. کسانی که بروند جان و مالشان در امان است تا به امانگاهشان برسند و هر که بماند، در امان است و او نیز باید چون مردم ایلیا جزیه بدهد و کسانی از مردم ایلیا که بخواهند با اموال خود همراه رومیان بروند و کلیساها و صلیب‌ها را رها کنند جان و کلیساها و صلیب‌هایشان در امان است تا به امان‌گاهشان برسند. زمین‌دارانی که پیش از کشته شدن فلان در آنجا بوده‌اند، هر کس از آن‌ها که بخواهد، بماند و باید چون مردم ایلیا جزیه دهد و هر که خواهد با رومیان برود و



هر که خواهد سوی زمین خود بازگردد و از آن‌ها چیزی نگیرند تا وقت درو برسد...^۱.

همان‌طور که می‌بینید، در این عبارات به‌وضوح تصریح شده است که وقتی مسلمانان بر فلسطین تسلط یافتند، مردم آن سرزمین را اخراج نکردند تا بعدها بخواهند به آنجا برگردند؛ و آنجا را اشغال (به معنای غصب زمین دیگران) نکردند تا بعدها مالکان اصلی بخواهند آن را پس بگیرند. این دقیقاً همان چیزی است که در ایران و دیگر سرزمین‌های فتح‌شده نیز رخ داد. مردم مناطق فتح شده، ساکن سرزمین خود بودند، ولی اگر مسلمان نمی‌شدند، می‌بایست جزیه پردازند.

البته ممکن است در تعبیر عرفی گفته شود «فلان سرزمین اشغال شد»؛ ولی این تعبیر دقیق نیست و منظور از آن، ورود اسلام به منطقه و حکومت مسلمانان در آنجا است و نه اخراج ساکنان اصلی آن سرزمین. ۳- اساساً اگر این منطق را بپذیریم، باید زرتشتیان نیز ایران را از آن خود بدانند و با این‌که تعدادشان بسیار بسیار کم است، باید سرزمین پهناور ایران را به آن‌ها بسپارند! در حالی که خودشان نیز چنین ادعایی ندارند. آری؛ اسلام وارد ایران شد و دین زردتشتی از آنجا رخ بر بست؛ ولی نه به این شکل که مسلمانان مردم ایران را اخراج کنند و خودشان جای

۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، ج ۳، ص ۶۰۷ - ۶۱۰؛ همو، ترجمه

تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ج ۵، ص ۱۷۸۷ - ۱۷۹۱.



ایرانیان را بگیرند؛ بلکه به این معنا که همان مردم، به مرور تغییر دین دادند و مسلمان شدند.

مثال دیگر، سرزمین اندلس (اسپانیای کنونی) است که تا هشت قرن جزو سرزمین‌های اسلامی شمرده می‌شد و مسلمانان بر آنجا حکم می‌راندند تا اینکه در قرن پانزدهم میلادی / نهم هجری قمری (سال ۸۹۷ ه.ق) مسیحیان به‌طور کامل بر آن چیره شدند و به‌مرور، اسلام از آنجا برچیده شد. آیا امروزه مسلمانان حق دارند مدعی مالکیت بر تمام این سرزمین شوند؟ پاسخ منفی است؛ زیرا مردمی که آنجا زندگی می‌کردند، عمدتاً همان ساکنان قبلی بودند که به‌مرور، دست از اسلام شستند و ساکنان فعلی هم قاعدتاً وارثان همان افراد هستند. بله؛ گروهی از یهودیان و مسلمانان که از آنجا اخراج شدند، بعدها حق داشتند برای پس گرفتن سرزمین خود اقدام کنند.

نتیجه:

خلاصه این‌که: مردمی که هنگام جنگ‌های صلیبی ساکن فلسطین بودند، همان ساکنان پیش از اسلام بودند که اکثرشان مسلمان شدند و برخی نیز به‌شرط پرداخت جزیه، بر دین خود باقی ماندند. آری فلسطین از دست مسیحیان خارج شده بود؛ ولی به این معنا که دیگر مسیحیت در آنجا حاکم نبود؛ نه این‌که ساکنان آنجا اخراج شده باشند؛ و اگر هم برفرض



اخراج شده بودند، خودشان یا وارثان‌شان می‌بایست برای پس گرفتن آن اقدام کنند و نه مردم اروپا.

کلمات کلیدی:

جنگ‌های صلیبی، اسلام در فلسطین، فتح بیت‌المقدس، مسیحیت در بیت‌المقدس.



۵. حضرت زینب علیها السلام و نفرین مردم فلسطین

پرسش:

آیا حضرت زینب مردمان شام و فلسطین را نفرین کردند؟ که الان هم درگیر جنگ هستند و شهرهایی که داعش و اسرائیل حمله کردند و آنان را کشتند، آیا نفرین شده آن حضرت بودند؟

پاسخ:

در سال‌های اخیر، گاه و بی‌گاه با گزاره‌های تاریخی شگفتی رو به رو می‌شویم که نه تنها در منابع اصیل و معتبر تاریخی نقل نشده، بلکه در منابع میانی و کم اعتبار نیز به چشم نمی‌خورد. گویی این مطالب با اهداف خاصی ساخته و نقل می‌شوند. گاه، کتاب‌هایی هم به عنوان منبع برای این گزاره‌ها ذکر می‌شود که یا شناخته شده نیستند و یا پس از مراجعه معلوم می‌شود چنین مطلبی در آن‌ها نیست. عبور حضرت زینب از فلسطین و نفرین مردم آن سرزمین نیز یکی از همین گزاره‌ها است.

۱- نفرین مردم شام

اولاً، در باره نفرین مردم شام، چیزی در منابع ندیدیم. آنچه در سخنان و خطبه‌های حضرت زینب دیده می‌شود، نفرین ستمگران و قاتلان اهل بیت (علیهم السّلام) است و نه عموم مردم شام. حضرت زینب در آن خطبه معروف در مجلس یزید، در مقام شکوه عرض کرد:

«اللَّهُمَّ خُذْ لَنَا بِحَقِّنَا وَ انْتَقِمْ مِنْ ظَالِمِنَا وَ أَحْلِلْ غَضَبَكَ بِمَنْ



سَفَكَ دِمَاءَنَا وَ قَتَلَ حُمَاتِنَا؛^۱

خدایا! حق ما را بگیر، و از کسی که به ما ستم کرد، انتقام بستان و غضب خود را بر آن که خون‌های ما را ریخت و حامیان ما را کشت، فرو فرست.»

این نفرین در نقل‌های دیگر، فقط با تعبیر «اللهم خذ بحقنا وانتقم لنا ممن ظلمنا» گزارش شده^۲ و در هر صورت، در این تعابیر، نفرین عموم مردم شام به چشم نمی‌خورد و نفرین آن حضرت، فقط شامل کسانی است که در خون سید الشهداء (علیه السلام) و یاران او دست داشتند. ثانیاً، مردم شام از ابتدای ورود اسلام به آن منطقه، زیر دست بنی امیه و مخصوصاً معاویه بودند و اطلاعات آنان در باره اسلام و جایگاه اهل بیت در فرهنگ اسلامی، تقریباً در حد صفر بود. از این رو، دشمنی آنان با اهل بیت (علیهم السلام) از سر جهل و ناآگاهی و به خاطر تبلیغات بنی امیه بود و نه از سر کینه و حقد و حسد.^۳ پس دلیلی نداشت به صورت کلی مورد نفرین قرار بگیرند. برخورد امام سجاد (علیه السلام)

۱. سید ابن طاووس، علی بن موسی، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۷۲.

۲. ر.ک: گروهی از تاریخ پژوهان؛ زیر نظر مهدی پیشوایی، تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۳۶ پاورقی به نقل از بلاغات النساء ابن طیفور و...

۳. برای آشنایی با پیشینه نفوذ بنی امیه در شام و نادانی و کوته فکری مردم شام، ر.ک: گروهی از تاریخ پژوهان؛ زیر نظر مهدی پیشوایی، تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء، ج

۲، ص ۹۷ - ۱۰۴.



با پیرمرد شامی و توبه او پس از شنیدن سخن امام،^۱ نشانه‌ای بود از جهلی که قابل زدودن است. به همین سبب، برخورد حضرت زینب و امام سجّاد (علیهما السّلام) در شام، بیش‌تر در جهت آگاهی‌بخشی و معرفی جایگاه اهل بیت بود و نه گلایه از مردم (به خلاف کوفه که مردم آن، علی‌رغم شناخت اهل بیت با آنان دشمنی کرده بودند).

ثالثاً، امروزه عموم مردم شام هیچ دشمنی و کدورتی با اهل بیت ندارند و جای جای این سرزمین، محل حفظ و نگهداری نمادهای محبت به اهل بیت (علیهم السّلام) و بارگاره‌های متعلق یا منسوب به اهل بیت است. آیا می‌توان پذیرفت که مشکلات چنین مردمی به سبب نفرین اهل بیت باشد؟!

۲- نفرین مردم فلسطین

اخیراً در فضای مجازی مطلبی با این مضمون دست به دست شد:

«وقتی کاروان اسرا را به شام می‌بردند، به فلسطین که رسیدند، مردم فلسطین با سنگ به استقبال اسرا آمدند و به سوی مخدّرات سنگ پرتاب می‌کردند. حضرت زینب آنان را نفرین کرد و فرمود: ای قوم شوم! نفریتان می‌کنم که تا روز قیامت، سنگ از دستتان نیفتد. (اسرار شیعه، ص ۶۹)».

۱. این ماجرا معروف است و در منابع مختلفی گزارش شده است. از جمله: صدوق، الامالی،



در بارهٔ این مطلب، چند نکته گفتنی است:
اولاً، این مطلب در هیچ منبع معتبر و یا حتی کم اعتبار ولی شناخته شده‌ای وجود ندارد.

ثانیاً، کتاب «اسرار شیعه» کتابی ناشناخته است و معلوم نیست این کتاب تألیف کسیت و در کجا چاپ شده. از این رو، مراجعه به این کتاب با هدف بررسی سند این مطلب، ناممکن است. به نظر می‌رسد که چنین کتابی وجود خارجی نداشته باشد و صرفاً با هدف ایجاد سند برای مطلبی جعلی، از این عنوان استفاده شده است.

ثالثاً، با صرف نظر از اشکال سندی و فقدان منبع، متن این گزارش نیز ایراد دارد و نمی‌توان آن را پذیرفت. کافی است کمی جغرافیا بلد باشیم یا نگاهی به نقشه ببندازیم. خواهیم دید که منطقهٔ فلسطین در غرب و جنوب غربی منطقهٔ شام قرار دارد؛ حال آن‌که مسیر کاروان حسینی از کربلا به شام، در ناحیهٔ شرق قرار داشته است. در پژوهش‌های معاصر، مطالعات دقیقی در بارهٔ مسیر کاروان حسینی از کربلا به کوفه و سپس به شام و مسیر بازگشت آنان به مدینه صورت گرفته و با گمانه‌زنی‌های علمی، همهٔ مسیرهای احتمالی کاملاً مشخص شده‌اند؛^۱ ولی هیچ یک از مناطقی که امروزه جزو فلسطین شمرده می‌شوند و یا در آن روزگار فلسطین خوانده می‌شده، سر راه آنان نبوده است. پس می‌توان با اطمینان

۱. برای نمونه، رک: محمدی ری‌شهری، محمد، و همکاران، شهادت‌نامهٔ امام حسین بر پایهٔ منابع معتبر (برگرفته از: *دانش‌نامهٔ امام حسین ع*)، با همکاری سید محمود طباطبایی نژاد و سید روح‌الله سید طباطبایی، گزینش: مرتضی خوش نصیب، ص ۷۶۳ - ۷۷۰



گفت: کاروان اسرا اصلاً به فلسطین نرفت تا بگوییم مردم فلسطین از آنان با سنگ استقبال کردند یا نه!

رابعاً، بر فرض که مردم فلسطین در آن زمان، به خاندان اهل بیت جسارت کرده باشند، ربطی به مردم کنونی این سرزمین ندارد. به نظر می‌رسد که سازندگان این سخن دروغ، در صدد سرپوش گذاشتن بر جنایات صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی هستند و یا با این گزارش ساختگی، می‌خواهند انگیزه مسلمانان و به ویژه شیعیان را در دفاع از مردم مظلوم فلسطین سست کنند. شاید هم خاستگاه این گزارش جعلی، دروغ بزرگی است که مردم فلسطین را «ناصری» یعنی دشمن اهل بیت معرفی می‌کند. حال آن‌که در میان مسلمانان فلسطینی، شیعه نیز وجود دارد و باقی آنان نیز ناصبی نیستند. وجود مسجدی به نام «الامام علی بن ابی طالب» در نابلس، مسجد «فاطمه الزهرا» در طولکرم، مسجد «الحسین بن علی» در غزه و نیز مسجدی به همین نام در «الخلیل» و فراوانی نام‌های اهل بیت در میان این مردم، نشان می‌دهد که ناصبی بودن آنان دروغی بیش نیست.

نتیجه:

خلاصه این‌که: عبور کاروان اسرا از فلسطین و در نتیجه، جسارت مردم آن جا به اهل بیت و نفرین شدنشان توسط حضرت زینب، هیچ مستندی ندارد و گویا این شایعه بی‌اساس را افرادی با هدف دفاع از صهیونیسم و یا ایجاد تفرقه میان مسلمانان ساخته باشند. نفرین مردم شام



نیز در منابع گزارش نشده و مواردی که هست، نفرین کسانی است که دستشان به خون اهل بیت آلوده بود و نه عموم مردم.

کلمات کلیدی:

کاروان اسرا در شام، کاروان اسرا در فلسطین، ارتباط شامیان با اهل بیت، نفرین مردم شام، نفرین مردم فلسطین



۶. وجه تسمیه فلسطین اشغالی

پرسش:

چرا می‌گویید «فلسطین اشغالی»؛ در حالی که فلسطین از اول برای یهودیان بود و این مسلمانان بودند که در قرن هفتم آن را اشغال کردند؟

پاسخ:

امروزه کشور فلسطین در منطقه غرب آسیا قرار گرفته و با کشورهای لبنان، سوریه، مصر و اردن همسایه است. از هزاران سال پیش تا کنون، اقلیت‌های مذهبی گوناگونی در این منطقه زندگی کرده‌اند و در حال حاضر نیز در خود فلسطین مردمانی از اسلام، مسیحیت و یهودیت زندگی می‌کنند. همچنین این سرزمین بارها توسط حکومت‌های مختلف از جمله حکومت انبیای الهی مانند داوود و سلیمان (علیهم‌السلام)، سلوکیان، امپراتوری روم، مسلمانان، صلیبی‌ها، عثمانی‌ها و نهایتاً بریتانیا در جنگ جهانی اول، دست‌به‌دست شده است.

بدین ترتیب، این سرزمین متعلق به یک نژاد یا قوم خاص نبوده است؛ بلکه از گذشته، اقوام گوناگونی به این سرزمین مهاجرت کرده و تا قرن‌ها در آنجا زندگی کرده‌اند؛ مانند گروهی از کنعانی‌ها (از فرزندان کنعان از نسل حضرت نوح)، اقوامی از جزیره کرت و دریای اژه (که نام اصلی



آن‌ها pelest بود)، فنیقی‌ها و نَبَطی‌ها (که عرب تبار بودند) و بعدها عرب‌های مسلمان.^۱

نکته بعدی که بسیار مهم است، این‌که: یهودی‌ها که همان بنی اسرائیل از فرزندان حضرت یعقوب هستند و خود وی که فرزند حضرت اسحاق از حضرت ابراهیم علیه‌السلام است، تنها در بخشی از سرزمین فلسطین سکونت داشتند. اگر بخواهیم به تاریخ رجوع کنیم، حضرت ابراهیم اصالتاً متولد و بزرگ‌شده سرزمین بابل (بین‌النهرین) یعنی عراق کنونی بود^۲ که برای حفظ و مراقبت از دین و آیین خود، به همراه خانواده خویش راهی فلسطین شد.^۳ حضرت لوط علیه‌السلام نیز که نسبت خویشاوندی با حضرت ابراهیم داشت، در جنوب فلسطین از طرف حضرت ابراهیم مشغول تبلیغ دین ابراهیم برای ساکنان آنجا بود.^۴ با این اوصاف، این سرزمین از دیرباز، ساکنانی داشته و بنی اسرائیل هم یکی از گروه‌های ساکن در آن بوده‌اند. این مطلب را نیز باید افزود که حضرت یعقوب و فرزندان‌ش بعد از دعوت حضرت یوسف (عزیز مصر)، وارد مصر شدند و تا چند قرن تا ظهور حضرت موسی علیه‌السلام به‌عنوان

۱. صفا تاج، مجید، *دانشنامه فلسطین*، ج ۳، ص ۱۴.

۲. طبری اقوال مختلف درباره محل تولد حضرت ابراهیم علیه‌السلام را در سرزمین بابل آورده است. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ج ۱، ص ۲۳۳.

۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ج ۱، ص ۲۴۷.

۴. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، *البدایه و النهایه*، ج ۱، ص ۱۴۰.



پیامبر، در مصر زندگی می‌کردند.^۱ همچنین بعد از عبور بنی‌اسرائیل از رود نیل و ورود به صحرای سینا و سرگردانی در آنجا، بنا شد تا آن‌ها پس از جنگ با حاکم و طاغوت سرزمین فلسطین، وارد آنجا شوند؛ اما به دلیل کارشکنی بنی‌اسرائیل تا مدت‌ها بازهم در خارج از فلسطین بودند.^۲ تا اینکه یوشع بن نون با نبرد بر ضد طاغوت فلسطین، یهودیان را وارد فلسطین نمود.^۳ همان‌طور که مشاهده می‌فرمایید، این جماعت حتی

حاضر نشدند تا برای بازگشت مجدد به این سرزمین، جهاد کنند! در تکمیل مطالب بالا باید عرض شود که اگر ملاک و مبنای تشکیل یک کشور با حکومت جدید، سابقه و گذشته تاریخی یک قوم باشد، بسیاری از مرزبندی‌های کنونی دستخوش تغییر خواهد شد و در این صورت، نباید این معیار فقط مختص به یهودی‌ها باشد. بدین ترتیب، به سبب حکومت شاهان ایرانی بر مناطق دیگر، سرزمین ایران باید شامل مناطق وسیعی از آسیای میانه و منطقه قفقاز و غرب آسیا و کشورهای حاشیه خلیج فارس هم بشود. همچنین دولت‌هایی مانند استرالیا، نیوزلند، کانادا، آمریکا، مکزیک، برزیل و آرژانتین و بسیاری دیگر، می‌بایست همه حکومت و ثروت‌های این مناطق را به‌طور کامل تحویل ساکنان بومی

۱. دایره المعارف تشیع، بنیاد اسلامی طاهر، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع‌البیان، ص ۶۲۶-۶۲۵.

۳. رک: دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، الاخبار الطوال.



این مناطق بدهند؛ چراکه این سرزمین‌ها توسط اروپایی‌ها اشغال شده و طی چند صدسال اخیر جمعیت زیادی از اروپا به این مناطق آمده و در آنجا ساکن شده‌اند و چندین نسل از آن‌ها در آنجا به دنیا آمده‌اند درحالی‌که اصالتاً جزء ساکنان آن جان نبوده‌اند.

در واقع، ادعای صهیونیست‌ها بیشتر بهانه‌ای است برای ایجاد تفرقه و فتنه‌انگیزی میان مسلمانان غرب آسیا و تضعیف آنان.

سؤال جدی‌ای که وجود دارد، این است که اگر یهود و بنی‌اسرائیل به واسطه حضور تاریخی در این منطقه، ادعای مالکیت آن را دارند، پس دست‌اندازی به کشورهای دیگر منطقه مانند سوریه و لبنان، ترسیم نقشه از نیل تا فرات برای چیست؟!^۱

بر اساس آنچه گذشت، معلوم می‌شود که صهیونیست‌ها هیچ حق مالکیتی بر فلسطین ندارند و این‌که ساکنان این سرزمین را به زور از خانه و کاشانه خود بیرون کرده و به جای آنان نشسته‌اند، نامی جز «غصب» و

۱. بن‌گوریون در نطق دیگری در جشن فارغ‌الحصیلان دانشگاه افسری یهود در ماه مارس ۱۹۴۹ این‌گونه می‌گوید: «ما هنوز هدف نهایی خود را به دست نیاوردیم و فقط گوشه‌ای از مملکت ایدئال‌مان را به دست آوردیم و بقیه آن باید به دست نیروهای فداکار ما فتح شود. آری به همین زودی به خواب شیرین پیامبران اسرائیل تعبیر می‌بخشیم و تمامی ملت یهود را در خاک آباء و اجداد که مرز غرب و شرق آن دو رود نیل و فرات‌اند، جمع می‌کنیم». زعیتز، اکرم، سرگذشت فلسطین (کارنامه سیاه/استعمار)، ص ۴۴۲.



«اشغال» ندارد و از این رو، ما این منطقه را اشغال شده می‌دانیم و آن را «فلسطین اشغالی» می‌نامیم.

نتیجه:

خلاصه این‌که: سابقه تاریخی فلسطین نشان می‌دهد که این سرزمین بیش از هزار سال قبل از حضرت یعقوب و بنی‌اسرائیل و یهود، ساکنین بومی خود را داشته است که از مناطق مختلف به آنجا مهاجرت کرده و ساکن شدند؛ و اگر قرار باشد به واسطه حضور تاریخی در این منطقه، کسی یا گروهی و یا اقلیت دینی و مذهبی‌ای به دنبال تصاحب آن باشد، همه اقوام و اقلیت‌های مذهبی ساکن در آن اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی (و نه فقط یهود) می‌توانند این ادعا را مطرح کنند و هیچ ارجحیت و اولویتی برای یهود در این زمینه وجود ندارد. پس سکونت غاصبانه صهیونیست‌ها در این سرزمین، نامی جز اشغال ندارد.

کلمات کلیدی:

فلسطین، یهود، بنی‌اسرائیل، اسرائیل، صهیونیسم، حضرت یعقوب.

منابع برای مطالعه بیشتر:

- ۱- «اختراع قوم یهود» نوشته شلومو زند، ترجمه فهیمه چاکرال‌حسینی ابرقوئی، انتشارات اختران.
- ۲- «۱۰ غلط مشهور درباره اسرائیل»، نوشته ایلان پایه، ترجمه وحید خضاب، انتشارات کتابستان معرفت.



۷. موضع پادشاهان ایرانی نسبت به ساکنان فلسطین

پرسش:

چرا جمهوری اسلامی، طرف اعراب را گرفته و با اسرائیل مخالف است؛ در حالی که پادشاهان ایرانی مثل کوروش و داریوش، طرفدار اسرائیل و بازگشت یهودیان به فلسطین بودند؟

پاسخ:

مقابله با ظلم و ظالم و دفاع از مظلوم، وظیفه همه انسان‌های آزاده و حق جو در همه دوره‌ها و همه سرزمین‌ها است. رویکرد کنونی جمهوری اسلامی ایران به مسئله فلسطین و نیز برخورد کوروش هخامنشی با یهودیان بابل نیز در همین راستا قابل بررسی است. در دوره کنونی، یهودیان صهیونیست ضمن تصرف غاصبانه سرزمین فلسطین، با اذیت و آزار و کشتار ساکنان بومی این منطقه، آن‌ها را مجبور به مهاجرت از سرزمین آباء و اجدادی‌شان به دیگر کشورها کرده‌اند. این عملکرد رژیم صهیونیستی بسیار شبیه عملکرد بُختُ نصر در هزاران سال قبل است که با ظلم و کشتار یهودیان، آن‌ها را مجبور به ترک خانه و کاشانه‌شان کرد؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از مظلوم، کمک و یاری فلسطینی‌ها را سرلوحه اقدامات خویش قرار داده؛ همان‌گونه که کوروش هخامنشی نیز وقتی مشاهده کرد یهودیان مورد ظلم و جور بخت‌النصر واقع شده‌اند، به یاری‌شان آمد و آن‌ها را نجات داد.



تئودور هرتسل شخصی یهودی بود که جنبشی سیاسی صهیونیسم را در میان یهودیان بنیان نهاد.^۱ هرتسل ابتدا در کتاب «دولت یهودی» که در سال ۱۸۹۵ م نگاشت، ایده تأسیس یک کشور مخصوص یهودیان را مطرح کرد و سپس در سال ۱۸۹۷ م با گردآوری اندیشمندان و ثروتمندان یهودی در شهر بال سوئیس، صهیونیسم شکل گرفت.^۲ پس از این تاریخ، یهودیان صهیونیزم به تلاش برای تصرف سرزمین فلسطینان و تشکیل کشور مستقل یهودی پرداختند. در سال ۱۹۴۸ م صهیونیست‌ها در حالی که یهودیان تنها مالک پنج درصد از زمین‌های کشور فلسطین بودند،^۳ با حمایت دولت انگلیس و تصویب مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۱۸۱؛ حدود ۵۵ درصد از سرزمین‌های فلسطینی را به تصرف خود درآوردند و کشوری جعلی به نام اسرائیل شکل گرفت.^۴ پس از این تاریخ تا عصر حاضر، رژیم اشغالگر صهیونیستی با کشتار و اخراج مردم بومی فلسطین، بر جغرافیای سرزمینی خویش افزوده است تا آنجا که اکنون فقط دو بخش کوچک کرانه باختری و غزه، در اختیار فلسطینیان است.^۵

۱. دایره المعارف مصور تاریخ یهودیت و صهیونیسم، ص ۴۵.

۲. دایره المعارف مصور تاریخ یهودیت و صهیونیسم، ص ۴۶.

۳. السهلی، نبیل محمود، فلسطین أرض وشعب، ص ۸.

۴. هنری کتان، فلسطین و حقوق بین‌الملل، ص ۷۷.

۵. <https://fa.alalam.ir/news/6723238>



در مقابل تحرکات صهیونیست‌ها در تصرف سرزمین فلسطین از ۱۹۴۸ تاکنون، ساکنان بومی این سرزمین نیز به مقابله با اقدامات آن‌ها پرداختند؛ ولی به دلیل عدم توان لازم برای مقابله با امکانات و تجهیزات صهیونیستی، همیشه مظلوم واقع شده‌اند. در برابر این ظلم آشکار؛ عالمان و اندیشمندان اسلامی از جمله امام خمینی (ره) حمایت خود را ملت فلسطین اعلام کرده و تأکید داشتند که همه تلاش خود را برای حل مشکلات مسلمانان و یاری مجاهدان و گرسنگان و محرومان به کار ببندیم. امام خمینی حمایت خود از ملت فلسطین را پیش از انقلاب آغاز کرد و به‌عنوان نمونه در پیامی در ۱۷ خرداد ۱۳۴۶ به مناسبت جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل، در فتوایی انقلابی، هرگونه رابطه تجاری و سیاسی دولت‌های اسلامی با اسرائیل و نیز مصرف کالاهای اسرائیلی را در جوامع اسلامی، حرام اعلام کردند.^۱ بر همین اساس، با پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ ش، حمایت از مردم مظلوم فلسطین در برابر رژیم اشغالگر صهیونیستی در دستور کار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. حمایت جمهوری اسلامی ایران از مردم مظلوم فلسطین شبیه به عملکرد کوروش هخامنشی - در چند هزار سال پیش - در دفاع از یهودیانی بود

^۱ . <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n22602>



که مورد ظلم بُخت نَصْر (نَبوگَد نَصْر) واقع شدند. بُخت نَصْر دومین فرمانروای کلدانی بابل در سال‌های ۶۰۵ تا ۵۶۲ پیش از میلاد بود.^۱

بخت نَصْر در سال ۵۸۷ ق.م. به سرزمین محل سکونت یهودیان - فلسطین امروزی - حمله کرد^۲ در این حمله، تعداد زیادی از یهودیان کشته و بسیاری از آن‌ها به اسارت درآمدند و به بابل برده شدند.^۳ این اسارت ادامه داشت و با شکل‌گیری حکومت هخامنشی، کوروش کبیر در سال ۵۳۹ ق.م. با تصرف بابل، یهودیان تحت اسارت را نجات داد و آنان را به سرزمین اصلی‌شان بازگرداند.^۴

نتیجه:

با مقایسه تاریخ اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی و اسارت یهودیان توسط بُخت نَصْر، درمی‌یابیم که حکام اهل ظلم و جور در هر یک از این دو دوره، ظلم و جنایت بزرگی را نسبت به بومیان فلسطین انجام دادند. بعد از ظلم و جور بخت نصر؛ کوروش به حمایت از آنان پرداخت و سبب بازگشت مظلومان به سرزمین خودشان گردید. در عصر کنونی نیز جمهوری اسلامی ایران حمایت از بومیان مظلوم فلسطین را

۱. ربیعی، منیژه، «بخت نصر»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۳۹۸.

۲. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، انتشارات سمت، ص ۹۶.

۳. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۹۶؛ کتاب مقدس عهد عتیق، پادشاهان ۲، قسمت ۲۴ یهوایکین، پادشاه یهودا.

۴. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۰۰.



وظیفه خود می‌داند و رفع ظلم و بازگشت فلسطینیان به سرزمین خودشان و تشکیل دولتی متناسب با خواست بومیان این سرزمین را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آرمان‌های خویش دنبال می‌کند. بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که نجات بومیان فلسطین از ظلم و جور دشمنانشان، وجه مشترک عملکرد جمهوری اسلامی و کوروش هخامنشی است.

کلمات کلیدی:

اسارت یهودیان، حمله بخت نصر به اورشلیم، آزادی یهودیان توسط کوروش، یهودیان و کوروش، رژیم اشغالگر صهیونیستی، مقابله ایران با اسرائیل.

معرفی منبع جهت مطالعه بیشتر:

۱- «فلسطین: تاریخ و جغرافیا، اشغال و انتفاضه»، نوشته جواد محدثی، انتشارات بوستان کتاب.



۸. مظلوم‌نمایی یهودیت در تاریخ

پرسش

یکی از ویژگی‌های یهودیان روزگار ما _ به‌ویژه صهیونیست‌ها _ مظلوم‌نمایی است. آیا مظلوم‌نمایی یهود در تاریخ هم سابقه دارد؟

پاسخ:

با نگاهی ساده به وضعیت امروز یهودیان و ترفندهایی که آنان برای اقدامات توسعه‌طلبانه‌ی خود انجام می‌دهند، به‌خوبی می‌توان دریافت که مظلوم‌نمایی، یکی از بزرگ‌ترین حربه‌های آنان برای پوشش جنایات و اهداف سیاسی و مذهبی خود از گذشته تا به حال بوده. مظلوم‌نمایی یهود به دلیل پشتوانه نیرومند تبلیغاتی آن، بر افکار عمومی جهان به‌شدت مؤثر بوده است؛ از داستان هولوکاست تا حمله‌ی حماس و مقاومت، نمونه‌هایی از این رفتار در دوران معاصر بوده است. با مراجعه با تاریخ یهود به دست می‌آید که تاریخ‌نگاری یهود، بر مظلوم‌نمایی استوار است.

پیشینه تاریخی بنی اسرائیل

یهودیان یازده قرن قبل از میلاد مسیح، کشوری مستقل را ایجاد کردند که اسرائیل نامیده می‌شد. از شاهان نامی آن می‌توان به حضرت داوود و حضرت سلیمان علیهماالسلام اشاره داشت. در زمان حضرت سلیمان علیه‌السلام اسرائیل به نهایت درجه‌ی آبادانی و رونق اقتصادی خود رسیده بود تا اینکه بعد مرگ سلیمان علیه‌السلام فرزندش رحبعام به



سلطنت می‌رسد. از آن زمان به بعد، یکپارچگی اسرائیل مدت زیادی دوام نیاورد و در قرن دهم قبل از میلاد، با قیام یربعام بر ضد رحبعام، این کشور به دو قسمت تجزیه شد که قسمت شمالی آن همچنان «اسرائیل» خوانده می‌شد و قسمت جنوبی که تحت فرمانروایی رحبعام بود، «پادشاهی یهودا» نام گرفت.

بخش شمالی اسرائیل همواره در وضعی ناپایدار به سر می‌برد تا اینکه در نهایت در سال ۷۲۵ پیش از میلاد آشوریان مجدداً به این منطقه حمله کردند و این بار تمامی ساکنین منطقه را به اسارت گرفتند. پس از این زمان، از سرنوشت این قبایل اطلاعی در دست نیست و این واقعه به گم‌شدن اسباط _قبایل_ یهود شهرت یافت. در متون یهودی وعده داده شده است که در آخرالزمان این ده سبط پیدا خواهند شد و به ارض مقدس بازخواهند گشت.^۱

بخش جنوبی یعنی پادشاهی یهودا بارها توسط آشور مورد حمله قرار گرفت ولی در نهایت توانست خود را از خطر منقرض شدن حفظ کند. در نهایت سال ۶۱۲ پیش از میلاد، امپراتوری آشور، توسط اتحاد بین امپراتوری ماد و امپراتوری بابل جدید از بین رفت؛ اما وضعیت برای

^۱ . رک: کریمی نیا، محمد مهدی؛ انصاری مقدم، مجتبی؛ اریک، رحیم؛ وعده‌های آخرالزمانی و موعودگرایی در آیین یهود؛ مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، پیاپی ۲۰، زمستان ۱۳۹۹،



یهودیان همچنان نامساعد بود. در آن زمان «بُخْتُ نَصْر» پادشاه بابل در سال ۵۹۷ پیش از میلاد به پادشاهی یهودا لشکرکشی کرد و این اتفاق آغازی دوباره برای مظلوم‌نمایی یهودیان بود.

لشکرکشی بُخْتُ نَصْر به بیت‌المقدس

در مورد وضعیت یهود در لشکرکشی بخت نصر آمده که لشکر او هفتاد هزار یهودی را به کشتن داد.^۱ با این حال برخی از نویسندگان مدعی شدند که این آمار از کشته‌شده‌ها خلاف واقع بوده است و ادله‌ای را در این باره آوردند.^۲ چراکه اولاً مورخانی چون ابن کلبی و مسعودی و ابی الفداء و دیگران این چنین قتل‌عام‌هایی که بخت نصر در حق یهود انجام داده را ذکر ننموده و معتقد بودند که در این اخبار غلو صورت گرفته.^۳ ثانیاً فرهنگ دیرینه مردم بر آن جریان داشت که اسیران را نمی‌کشتند بلکه آنان را در کارهای شاق به کار می‌گرفتند. ثالثاً پیروان بخت نصر، مجوسی و آتش‌پرست بودند، پس نمی‌توان انگیزه دینی برای بخت نصر ایجاد کرد که آنان را به انتقام خون یک پیامبر الهی مانند یحیی علیه‌السلام

^۱ ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، ج ۲، ص ۱۶۹.

^۲ طایبی، نجاح، مظلوم‌نمایی یهود در طول تاریخ، لندن، ص ۲۷-۲۹.

^۳ بلاذری، أحمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۲۵ و مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۲۵۱.



که در متون تاریخی آمده_ مورد قتل و عام قرار داده است. همچنین بین شهادت یحیی علیه السلام و فتح بخت نصر در حدود ۴۰۰ قرونها سال فاصله بوده؛ که این خود نشان از تصرفاتی در این داستان دارد.¹ بنابراین یا مراد شخص دیگری است که با بخت نصر هم نام بوده؛ و یا به جهت مشابهت در بلایی که بر سر یهود آورده، او را مجازاً به این نام خوانده‌اند؛ در غیر این دو صورت تصرفاتی در این داستان صورت گرفته است.

در نتیجه، به نظر می‌رسد وقایعی چون گم‌شدن اسباط_ قبایل_ یهود و قتل عام یهودیان، داستانی خیالی است که یهودیان آن را به قصد جلب عواطف دیگران در آن زمان، به کار گرفتند؛ و اگر اصل داستان ساختگی نباشد، روحیه مظلوم‌نمایی نهفته در ملت یهود، باعث اغراق‌گویی و بزرگ‌نمایی در این باره شده است. چنانکه در کنار جنایاتی که بعدها یهودیان انجام دادند، باز با مظلوم‌نمایی این حقایق مسلم را مخفی نمودند و بر سر قتل عام‌های خیالی خود نشستند و گریه سر دادند. به‌عنوان نمونه، برخی منابع داستان اصحاب اخدود را (که مشهور است به فرمان «ذونواس» حاکم یهودی یمن، مردم مؤمن نجران را در خندق آتش انداختند)، بر دانیال نبی علیه السلام و یارانش تطبیق کرده‌اند که به فرمان

¹ . رک: مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۴، ص ۳۵۱-



بخت نصر در آتش افکنده شدند؛ اما آتش در آنان اثر نکرد و رهایی یافتند.^۱ این گزارش مورد توجه و تأیید برخی خاورشناسان و پژوهشگران معاصر قرار گرفته، اما برخی نویسندگان آن را از اسرائیلیات دانسته می‌دانند که یهود آن را در شکل تحریف شده‌ای در اختیار راویان مسلمان قرار داده است.^۲

ماجرای بنی قریظه

در تاریخ اسلام نیز هرکجا از نبرد مسلمانان با یهودیان سخن به میان آمده، به دنبال آن گفته‌هایی مبنی بر مظلومیت یهود نیز دیده می‌شود. به‌عنوان نمونه در مورد نبرد بنی قریظه و کشتار یهودیان آمده که بنی قریظه به هنگام جنگ احزاب، مشرکان را یاری کردند و علیه مسلمانان توطئه نمودند؛ اما پس از پیروزی مسلمین در جنگ احزاب، آنان توسط مسلمانان مورد مجازات قرار گرفتند. در این باره سیره نویسان گزارش - هایی مبنی بر محاصره‌ی قلعه‌ی آنان و کشتار تعداد بسیاری از یهودیان نقل کرده‌اند؛ تا آنجا که واقعی تعداد کشته‌های آنان را بین شش صد تا هفت صد نفر معرفی کرده؛^۳ یا ابن اسحاق از هشت صد تا نه صد نفر تخمین

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲. بیومی مهران، محمد، دراسات تاریخیه من القرآن فی بلاد العرب، ج ۱، ص ۳۶۴.

۳. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۲، ص ۵۱۸.



زده است.^۱ کثرت کشته‌های آنان به حدی بود که برخی محققان در پذیرش این تعداد از کشته‌ها دچار تردید شدند و شواهدی برخلاف واقع بودن آن ذکر نمودند.^۲ از جمله ادله‌ای که احتمال اغراق در تعداد کشته‌های یهود را تقویت می‌کند، وجود دو یهودی مسلمان شده به نام محمد بن کعب قرظی و عطیه قرظی در سلسله اسناد این روایات است؛ که ممکن است انگیزه‌ای انگیزه‌ی آنان از این گزارش‌ها، مظلوم‌نمایی یهودیان باشد.^۳

ادعای مالکیت تاریخی بر فلسطین

از دیگر مظلوم‌نمایی‌هایی یهود که همواره مطرح می‌کنند، این است که آنان سرزمین بیت‌المقدس یا اورشلیم را متعلق به خودشان می‌دانند و ادعا می‌کنند مسلمانان روزی ما را بیرون کرده‌اند و اکنون سرزمین خودمان را پس گرفته‌ایم. در حالی که با گرایش کنستانتین امپراطور روم به مسیحیت، این شهر در اختیار مسیحیان قرار داشت.^۴ در زمان خلافت

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۴۱.

۲. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۱، ص ۱۹۹-۲۰۴.

۳. رک: کریمی تبار، عزیز الله؛ راغبی، محمدعلی؛ اکبر نژاد، مهدی؛ تحلیل و پاسخ به شبهه درگیری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با یهود بنی قریظه، تاریخ اسلام در آیین پژوهش،

پیاپی ۴۱، سال ۱۳، پاییز و زمستان، ۱۳۹۵ شماره ۲.

۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۵۳.



عمر بن خطاب، مسلمانان در راستای گسترش اسلام برای فتح بیت المقدس به راه افتادند و در نهایت اهالی آنجا با مسلمین پیمان آشتی امضا کردند و شهر را بر مسلمانان گشودند.^۱ تا آنکه با آغاز جنگ‌های صلیبی، یکی از سخت‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین کشتارها و غارت‌ها در بیت المقدس به دست مسیحیان رغم خورد. آنان در اواخر قرن پنجم هجری، با بهانه‌هایی از جمله نجات این شهر از دست مسلمانان، به فلسطین حمله کردند.^۲ جنگ‌های صلیبی حدود دویست سال ادامه داشت که اوج آن مربوط به دوران فرماندهی صلاح‌الدین ایوبی بود. او پس از جنگ‌های مختلف و تصرف شهرهای کوچک و بزرگ، به سمت بیت المقدس لشکر کشید و آن را نیز به تصرف درآورد.^۳

هولوکاست

از آن هنگام به بعد بیت المقدس عملاً در اختیار مسلمانان بود تا این که در دهه‌های اخیر، یهودیان صهیونیست توانستند با کمک حکومت‌های غربی، سرزمین فلسطین را به کنترل خود درآورند. در این میان، داستانی

^۱ . مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بور سعید، ج ۵، ص ۱۸۵.

^۲ . ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، ج ۳۴، ص ۱۶.

^۳ . ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من

عاصرهم من ذوی الشان الاکبر، ج ۵، ص ۳۶۲.



به نام هولوکاست مطرح شد که باعث شد مظلوم‌نمایی یهودیان به اوج برسد و از آن برای پوشش جنایاتشان بهره بردند.

هولوکاست در اصطلاح، به نظریه‌ای اطلاق می‌شود که ادعا دارد شش میلیون یهودی در طول جنگ جهانی دوم، بر اثر اعمالی از قبیل اعدام در اتاق‌های گاز و سوزانده شدن در کوره‌های آدم سوزی اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها، کشته شده‌اند.^۱ از دیدگاه صهیونیست‌ها، برپایی دولت اسرائیل، نتیجه منطقی ظلم بر یهودیان در هولوکاست است. آنان با داستان کوره‌های آدم سوزی، خود را مستحق برپایی یک دولت دانستند؛ آن‌هم در گوشه دیگری از جهان و با غضب سرزمین ملتی که هیچ‌گونه ربطی به جنایات واقعی یا ساخته و پرداخته آنان نداشتند. در واقع یهودیان علاوه بر تأسیس اسرائیل و تلاش برای تحقق اهداف صهیونیسم بین‌الملل، دو هدف عمده سیاسی دیگر را از مظلوم‌نمایی یهود و تقدس بخشیدن به هولوکاست، تعقیب کردند؛ یکی پیش‌گیری از خیزش عمومی جهانیان علیه صهیونیسم و دیگری مظلوم‌نمایی و برانگیختن احساسات نژاد یهود و ایجاد اتحاد سیاسی آنان.^۲ بنابراین سازمان صهیونیسم، در شرایط جنگ

^۱ . رک: روبر فوریسون، اتاق‌های گاز در جنگ جهانی دوم، واقعیت یا افسانه؟ ترجمه دکتر

سید ابوالفرید ضیاء‌الدینی، مؤسسه فرهنگی - پژوهشی ضیا.

^۲ . واحدی، سید محمدرضا، بوی خون، تهران، ارتش جمهوری اسلامی ایران سازمان عقیدتی



جهانی، چاره را در این دید که از هرج و مرج به وجود آمده، استفاده کند و با مظلوم‌نمایی هرچه تمام‌تر، چنین جلوه دهد که جهان مسیحیت به آنان حمله کرده و تعداد زیادی از آنان را کشته است؛ پس آنان ناچارند به جای دیگری بروند و کجا بهتر از خاورمیانه و آن‌هم فلسطین که قرن‌ها پیش، سرزمین خود یهودیان بوده است.

ماجرای استر

از دیگر وقایعی که روحیه مظلوم‌نمایی این رفتار یهودیان را بازگو می‌کند، داستانی است که درباره منشأ جشن «پوریم» است مطرح می‌کنند. طبق این داستانی داستان که در بخشی از عهد عتیق به نام «کتاب استر» آمده است، یک دختر یتیم یهودی به نام «استر» که تحت سرپرستی عمویش «مردخای» بوده، به همسری خشایارشا پادشاه هخامنشی درمی‌آید؛ ولی یهودی بودن خود را کتمان می‌کند. او و عمویش «مردخای» نفوذ بسیاری در پادشاه پیدا می‌کنند؛ مخصوصاً این که مردخای به توطئه ترور شاه پی می‌برد و شاه را نجات می‌دهد. تا این که وزیر پادشاه به نام «هامان»، با مردخای دشمنی می‌کند و تصمیم می‌گیرد او و همه یهودیان را قتل‌عام کند؛ اما مردخای پی می‌برد و ماجرا را به استر می‌گوید و او که زن محبوب شاه بوده، شاه را متقاعد می‌کند که جلوی هامان را بگیرد و در این ماجرا، یهودی بودن این دو نفر نیز فاش می‌شود. سپس به درخواست استر، پادشاه، دستور مجازات هامان را می‌دهد و بعد هم به



استر و مردخای اجازه می‌دهد انتقام بگیرند و همان بلایی که قرار بود هامان بر سر یهودیان بیاورد، یهودیان بر سر دشمنان خود آوردند و در سرتاسر امپراتوری هخامنشی، ۷۵ هزار تن از دشمنان یهود در سه روز کشته شدند! پس از آن، استر و مردخای که نفوذ و قدرت بسیاری یافته بودند، دستور دادند این واقعه تا ابد جشن گرفته شود. برخی جشن پوریم یهودیان را که همه‌ساله برگزار می‌شود، تداوم همان جشن می‌دانند.

مطرح است که در سده پنجم پیش از میلاد، یهودیانی که در دربار «خشایار شاه» نفوذ داشتند، از او در حال مستی خواستند تا دستور دهد همسرش، «ملکه وشتی» در مقابل درباریان و سربازان عریان ظاهر شود؛ اما ملکه از اجرای آن سر باز زد و بدین ترتیب از مقامش خلع گردید و کشته شد. در آن برهه شخصی به نام «مردخای» یکی از یهودیان ذی‌نفوذ در دربار خشایار شاه بود. وی پس از کشته شدن ملکه، برادرزاده خود «استر» را به دربار آورد و او با دلربایی از شاه توانست ملکه‌ی ایران شود. بانفوذ یهود در دربار، تحرکات مخرب بسیاری در سراسر ایران از جانب آنان صورت گرفت؛ تا آنجا که ایرانیان بسیاری از جمله «هامان» وزیر خشایار شاه، از رفتار آنان به ستوه آمدند. هامان مصمم شد تا گروه‌های توطئه‌گر یهود را از دربار اخراج کند و مجرمانشان را مجازات کند؛ اما استر با بدگویی از هامان، نزد خشایار شاه او را از سمت خود برکنار می‌کند و مردخای را به‌عنوان وزیر به شاه تحمیل می‌کند. مردخای که به



خشایار نزدیک شده بود، حکم قتل هامان و دیگر سرداران ایران را در حال مستی به امضای او می‌رساند و در نهایت هامان به همراه ۱۰ پسرش در شوش به دار آویخته می‌شود. بعد از کشته شدن هامان، یهودیان از شاه برای کشتن همه مخالفان خود در سراسر ایران ۳ روز مهلت می‌گیرند و قتل عام بزرگان و سرداران ایرانی را آغاز می‌کنند.^۱

با اینکه این داستان، اشکالات تاریخی بسیاری دارد و محققان آن را غیرواقعی می‌دانند،^۲ ولی دستاویزی برای مظلوم‌نمایی یهودیان شده و تلاش هامان برای قتل عام یهودیان را به نشانه مظلومیت یهودیان، برجسته می‌کنند. برفرض صحت این داستان، روشن می‌شود که یهودیان به بهانه‌ی تصمیم هامان برای کشتار یهود، مجوز کشتار هزاران ایرانی را صادر کردند و آنان را از دم تیغ گذراندند. این همان ترفندی است که در قرن بیستم میلادی نیز به کار گرفتند و درباره هولوکاست اغراق و بزرگ‌نمایی

^۱ . برگرفته از: ترجمه فارسی کتاب استر، نسخه پیدی‌اف منتشرشده در پایگاه اینترنتی

«کتابخانه مجازی تاریخ ما» به نشانی: www.pdf.tarikhema.ir نیز رک:

کریمی نیا، بیتا؛ محمد زاده، نثار؛ محمودی، حسنا؛ جعفری، نشاط؛ جعفری کلیر، فاطمه؛ نویسنده مسئول: کمالی، فاطمه عذرا؛ استر ستاره‌ای در تاریخ یهود، مجله‌ی دستاوردهای نوین

در مطالعات علوم انسانی، اسفند ۱۴۰۱، سال پنجم - شماره ۵۸، ص ۶۰-۶۶.

^۲ . برای نمونه، رک: زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت

پهلوی، ص ۱۰۴، ۱۱۳ و ۲۸۹.



کردند تا خود را مظلوم نشان دهند و جنایت علیه مردم فلسطین و دیگر مسلمانان را توجیه کنند.

در دوران کنونی نیز شاهد هستیم که این قبیل از مظلوم‌نمایی و بهانه‌جویی‌ها بارها از جانب دولت اسرائیل مطرح می‌شود و به دنبال آن هزاران مسلمان ساکن در فلسطین اعم از زنان و کودکان بی‌گناه را به کام مرگ می‌کشانند؛ چنانکه شهدا و کشته‌های مردم غزه گویای این ادعاست.

نتیجه:

تاریخ‌نگاری یهود، بر مظلوم‌نمایی استوار است. آمار و ارقامی که از کشته‌های یهود در حوادث گوناگون مطرح شده، گویای این است که آنان همواره درصدد بودند تا با مظلوم نشان دادن خود، پوششی را برای جنایات خود مهیا سازند. هرچند در مسائل تاریخی همیشه به‌طور قطع نمی‌توان ادعایی را ثابت کرد؛ اما وقایعی چون گم‌شدن اسباط یهود، حمله‌ی بخت نصر و کشتار یهودیان، جنگ‌های مسلمانان با آنان در صدر اسلام و قتل‌عام آنان، ماجرای هولوکاست و کشته شدن شش میلیون یهودی و... همگی نشان می‌دهد که آنان درصدد بودند با مظلوم‌نمایی، شکست خود را جبران کنند و با وارونه نشان دادن این حوادث، فرصت را برای جنایات و توسعه‌ی یهود غنیمت شمارند.



کلمات کلیدی:

یهود، اسرائیل، فلسطین، بیت‌المقدس، بخت نصر، بنی قریظه، هولوکاست، پوریم.

جهت مطالعه‌ی بیشتر: مظلوم‌نمایی یهود در طول تاریخ نوشته‌ی نجاح الطائی.



کتابنامه

قرآن کریم

١. ابن اثیر، عز الدین أبو الحسن علی بن ابی الکرّم، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر - دار بیروت، ١٣٨٥ق.
٢. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ١٤٠٨ هـ.
٣. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر، ١٤٠٧ق.
٤. ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
٥. اسعدی، مرتضی، بیت المقدس، بنیاد دایره المعارف اسلامی با همکاری مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ١٣٦٧ش.
٦. السهلی، نبیل محمود، فلسطین أرض و شعب، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب، ٢٠٠٤م.
٧. بلاذری، أحمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ١٩٨٨.
٨. بیومی مهران، محمد، دراسات تاریخیّه من القرآن فی بلاد العرب، بیروت، دارالنهضة العربیه للطباعه والنشر، ١٤٠٨ هـ.
٩. تاجیک، نصرت الله، «جغرافیای سیاسی سرزمین بیت المقدس»، مجله حضور، بهار ١٣٨١، شماره ٤٠.



۱۰. توفیقی، حسین، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران: سمت، ۱۳۸۹ش.
۱۱. توفیقی، حسین، *آشنایی با ادیان بزرگ*، قم: مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۵ش.
۱۲. حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، ط الثانیه، ۱۹۹۵م.
۱۳. حمیدی، سید جعفر، *تاریخ اورشلیم (بیت المقدس)*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱ش.
۱۴. *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۱۵. *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۱۶. *دایره المعارف مصور تاریخ یهودیت و صهیونیسم*، تهران: بی جا، ۱۳۹۱ش.
۱۷. *دورانت، ویل، تاریخ تمدن*، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، بی‌تا.
۱۸. *دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا*، تهران: چاپ سیروس، ج ۱۲، سال ۱۳۳۴ - ۱۲۵۸ش.
۱۹. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، *الاخبار الطوال*، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال‌الدین شیال، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.



۲۰. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، تحقیق، تدمری، عمر عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. روبر فوریسون، اتاق‌های گاز در جنگ جهانی دوم، واقعیت یا افسانه؟ ترجمه دکتر سید ابوالفرید ضیاءالدینی، مؤسسه فرهنگی - پژوهشی ضیا.
۲۲. روزبھانی، محمدعلی، «روز جهانی قدس»، مجله اشارات ایام (اشارات)، تابستان سال ۱۳۹۰، شماره ۱۴۳.
۲۳. زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، تهران، انتشارات سخن، چاپ بیستم، ۱۴۰۰ ه.ش.
۲۴. زعیترا، اکرم، سرگذشت فلسطین (کارنامه سیاه استعمار)، ترجمه علی اکبر هاشمی رفسنجانی، قم: حکمت، بی تا.
۲۵. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، سیری در ادیان زنده جهان (غیر از اسلام)، قم: آیت عشق، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۲۶. سید ابن طاووس، علی بن موسی، الملهوف علی قتلی الطفوف، تهران: آدینه سبز، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۲۷. صدوق، الامالی، قم: انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۲۸. صفا تاج، مجید، دانشنامه فلسطین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۹۶ ش.
۲۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: ۱۴۱۷ ق.



۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع‌البیان، ترجمه علی کرمی، تهران: فراهانی، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۳۱. عاملی، جعفر مرتضی، الصحيح من سيره النبي الأعظم، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق
۳۲. طایی، نجاح، مظلوم‌نمایی یهود در طول تاریخ، لندن، دارالهدی لاحیاء التراث، ۱۳۸۲ ش.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۴. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق/ ۱۹۶۷م.
۳۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ط الثانية، ۱۳۸۷ق.
۳۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ترجمه تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، چ پنجم، ۱۳۷۵ش.
۳۷. گروهی از تاریخ‌پژوهان؛ زیر نظر مهدی پیشوایی، تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء (علیه السلام)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۹۲ش.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.



۳۹. محمدی ری شهری، محمد، و همکاران، شهادت نامه امام حسین بر پایه منابع معتبر (برگرفته از: دانش نامه امام حسین ع)، با همکاری سید محمود طباطبایی نژاد و سید روح الله سید طباطبایی، گزینش: مرتضی خوش نصیب، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، تک جلدی، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.
۴۰. مسعودی، أبو الحسن علی، التنبيه و الاشراف، تصحیح عبد الله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی، بی تا (افست قم: مؤسسه نشر منابع الثقافه الاسلامیه).
۴۱. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم: دار الهجره، چ دوم، ۱۴۰۹ق.
۴۲. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم: انصاریان، چاپ سوم، ۱۳۸۴ش.
۴۳. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بور سعید، مکتبه الثقافه الدینیّه، بی تا.
۴۴. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۴۵. موسی غوشه، محمدهاشم، تاریخ مجموعه مسجد الاقصی، ترجمه سید شهرام فرهنگیان و هودسا عاطفی، قم: نشر ادیان، ۱۳۹۰ش.
۴۶. واحدی، سید محمدرضا، بوی خون، تهران، ارتش جمهوری اسلامی ایران سازمان عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۲ ش



۴۷. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، انتشارات اعلمی، چاپ سوم، ۱۴۰۹ ق.
۴۸. هنری کتان، فلسطین و حقوق بین‌الملل، ترجمه غلامرضا فدایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴ ش.
۴۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ششم، ۱۳۷۱ ش.



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کننده‌ها جوان‌ها و دانشجوها هستند. این کار خوبی است، البته این سستی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤال‌ها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوان‌ها و دانشجوها بگذارید و بگویید این سؤال‌ها شده، جواب‌هایش اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.

ع.س.م